



بسم الله الرحمن الرحيم

درک لیلة القدر یک معنی مخصوص دارد. در لحن دعاها هست که خدایا مرا موفق بکن به درک لیلة القدر و یا مثلاً در عرف گفته می شود: فلانی موفق به درک لیلة القدر شده یا آرزویی است برای اهلش که موفق بشوند به درک لیلة القدر.

این همه برای ما و شما لیلة القدر آمده و گذشته ولی ما درک نکرده ایم. آیا آن شبها ما نبودیم؟ چرا بودیم. بیدار نبودیم؟ چرا بیدار هم بودیم! اما آیا لیلة القدر را درک کرده ایم؟ خیر! لحن دعاهایی که درک لیلة القدر را خواسته اند، خودش معلوم می کند [که] این نیست که مثلاً شب لیلة القدر را انسان بیدار باشد و به عبادت هم بگذرانند و آن شب هم که بیدار می ماند و عبادت می کند، لیلة القدر باشد، او درک کرده باشد!

... همه مؤمنین مادامی که عمر دارند هر سال یک بار لیلة القدر را [ظاهراً] درک می کنند. حالا مثلاً [اگر] شصت سال عمر داشته باشند، شصت بار لیلة القدر را درک می کنند؟ اینجور نیست. حتی آن کس که روزه می گیرد و شبهای لیالی قدر را هم بیدار می ماند، گرچه خوب است و توفیق است، ولی این که موفق به درک لیلة القدر [شود]، آن هم چندین بار، بعید است آن لحن ها این را نشان بدهد. ... لحن [دعاها] نشان می دهد درک لیلة القدر چیز خاصی است و معنای بخصوصی دارد، که [البته] عاید کسانی خواهد بود که ایمان داشته باشند و عامل باشند و روزه باشند و شب های لیالی قدر هم علی الحساب بیدار و مشغول عبودیت، به معنای خاص باشند ... این معنای مخصوص از درک لیلة القدر - آن اندازه که من متوجه می شوم - این است که، این بی ارتباط نیست با انا انزلناه فی لیلة القدر، یعنی نزول قرآن! حقیقت قرآن، حقیقت بالای قرآن بصورت دفعی اش.

نزول دفعی قرآن [آن است که] قرآن یکباره به قلب رسول اکرم صلی الله علیه و آله [نازل شده است] که [این از] مراتب نزول قرآن است. [این نزول دفعی هم فقط] یکبار شده است، در ماه مبارک رمضان هم شده است، یک شب هم شده است که آن شب، شب قدر است، [که در آن شب، قرآن به صورت یکجا] به دل رسول الله صلووات الله علیه و آله [نازل شده است] و بعد هم بصورت تفصیل در بیست و سه سال آمده است که [این نزول تدریجی و] تفصیلی می شود: «تنزیل».

درک لیلة القدر با این مسئله نزول قرآن در لیلة القدر بی ارتباط نیست. یعنی خود نزول قرآن با لیلة القدر بی ارتباط نیست. [البته] اصل [و] مقام جمعی قرآن، نه مقام تفصیلش. قرآن یکجا، مقام جمعی قرآن که به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عنایت شده است. و [قرآن] بعد از آن مقام جمعی، در طول بیست و سه سال، تنزلات تفصیلی پیدا کرده است. این نزول قرآن بی ارتباط با شب قدر نبوده است.

[این اتفاق هم تصادفی نیست] انا انزلناه فی لیلة القدر، نه این که تصادفاً [قرآن] در این شب [نازل] شد. این که بگویند فلانی در فلان روز آمده، هر روز می آمد می شد، اما حالا در عین حال، فلان روز آمد. [اما نزول قرآن این طور نیست،] این جور نیست که بگوئیم شب قدر شبی است، حالا نزول قرآن هم تصادفاً در آن شب بوده [و] در واقع تقارن بوده! نه، تقارن نیست. اصلاً خود لیلة القدر با خصوصیات که دارد در نزول قطعی قرآن نقش دارد. یعنی در این زمان باید این قرآن به رسول الله صلی الله علیه و آله نازل بشود، در همین شب باید نازل بشود نه در غیر این شب! وقتش این شب است!

از تذکرات حضرت استاد آیت الله محمد شجاعی.